

## یادداشت

## جنگ روایت‌ها



جعفر خاتمانیان  
اقتصاد دان و مترجم

علم اقتصاد در استفاده از روایت‌ها به تازگی به خود آگاهی جدیدی رسیده است تا جایی که می‌توان ادعا کرد به «چرخش روایتی» یا «اقتصاد روایی» روی آورده‌است. به عنوان مثال آدام اسمیت، پدر علم اقتصاد با نگارش کتاب ثروت ملل و ارائه روایت اقتصادی به شکل کارگاه سنجاق سازی و برجسته کردن نقش تقسیم کار، تخصص و تجارت آزاد موفق شد حرکت اقتصاد انگلستان و سایر جوامع را در مسیری خاص هدایت و تثبیت کند. در واقع اسمیت و افراد دیگری مانند کارل مارکس و فردریش هایک داستان‌های اقتصادی بودند که با بیان کلان روایت‌های فراگیر از سرمایه‌داری، سوسیالیسم و لیبرالیسم، هر کدام جوامع بشری را در مسیر جامعه آرمانی خاص سوق دادند و روند رشد و توسعه و نیز حباب‌ها و رونق و رکودهای اقتصادی را به شیوه و بیانی خاص تفسیر و معنادار کردند. پس اگر پرسیده شود چگونه می‌توان هدفی را برای جامعه مهم جلوه داد؟ جامعه را پیرامون آن هدف مهم برانگیخت؟ حتی شکست را به منبع ایشار و فداکاری و معناداری زندگی تبدیل کرد؟ یا سوگوری برای شکست یک استراتژی برنده و برد شود؟ پاسخ به همه آنها در یک کلمه قابل خلاصه شدن است: روایت. البته آن روایتی که بسیار عالی ساخته و پرداخته شده باشد و باور و اسخ و اعتماد به نفس مناسب تحویل دهد، می‌تواند فروش و انگاره‌های عام و مشترک درباره چگونه ترغیب کردن و برانگیختن جامعه، چگونه بر موانع غلبه کردن و چگونه پیروز شدن رازینرو و کند. هر روایتی تلاش می‌کند واقعیت بیرونی را به نحوی خاص برای مامعناد و قابل تفسیر کند و ارزش‌هایی را مهم تر جلوه دهد و به جامعه منتقل کند. این روایت‌ها حتی به شکل غیرمستقیم به جامعه القا می‌کنند که چگونه کار کند، چگونه پول درآورد، چگونه خرید و فروش کند و منفعت کسب کند و فقیری یا ثروتمندی، بخشندگی یا حرص باشد. جامعه موفق و جامعه‌ای که در مرحله خیز و خیزش قرار دارد روایت‌هایی مشترک و مورد پذیرش همه دارد؛ روایت‌هایی که موقعیت آن جامعه را در جهان معنادر و خواستنی و مطلوب می‌کند. روایت صرفاً یک داستان یا توصیفی از یک سلسله رویدادها نیست، بلکه شیوه خاص تبیین یادکرد و فهم رویدادها است. هر روایتی بر انتخاب‌های معین درباره روش‌های مناسب ارائه، تبیین و درک واقعیت دلالت دارد. انسان‌ها از طریق روایت با جهان را درک می‌کنند و مجادله و بگویم‌گویم روایت‌ها نقش اساسی در زندگی اجتماعی دارد. بخش زیادی از تصمیماتی که ما درباره تحصیل، سرمایه‌گذاری، شغل، ازدواج و بچه‌داری می‌گیریم از روایت‌هایی که مصرف می‌کنیم، تأثیر می‌پذیرند. سیاستمداران در فضایی پر از نقد و نظر فعالیت می‌کنند و سیاستمداران قابل آن کسی است که توانایی فضا سازی دارد؛ یعنی فضای موجود را به نفع خود شکل می‌دهد. در زمینه بررسی رابطه بین روایت‌ها، رفتار اقتصادی و عملکرد اقتصادی در متاسفانه کمبود پژوهش‌های جدی وجود دارد. در واقع اقتصاد دانان به تازگی به پژوهش درباره نقش روایت‌ها توجه نشان دادند. کتاب «اقتصاد روایی» نوشته رابرت شیلر، منتشر شده در برنده جایزه نوبل اقتصاد (منتشر شده در سال ۲۰۱۹) اثر داستان‌ها و روایت‌های عامه‌پسند درباره رویدادها و روندهای اقتصادی را کند و کاو می‌کند. طبق استدلال شیلر، روایت‌ها درباره پدیده‌های اقتصادی تأثیر معناداری بر اطمینان مصرف‌کننده، تصمیمات سرمایه‌گذاری و نهایتاً عملکرد اقتصادی می‌گذارد. شیلر رویدادهایی مانند بحران بزرگ، حباب دات کام و رونق و رکود املاک و مستغلات را این‌گونه تحلیل می‌کند که داستان‌گویی و باورهای عام به این پدیده‌های اقتصادی انجامید. اگرچه کتاب شیلر شواهد زیادی ندارد که تأثیر روایت‌ها بر رون داد‌های اقتصادی نشان دهد. اما دعوتی از پژوهشگران است تا به این موضوع بیشتر بپردازند و راه‌های برای پیوند دادن روایت‌ها به رونق و رکود روایت‌ها و عملکردهای اقتصادی فهمیده شود. با گسترش و فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی و ظهور نسل‌های جدیدی که منابع خبری و اطلاعاتی و خوراک‌های فکری و تحلیلی متنوعی دارند، مدیریت کردن روایت‌ها که همیشه در عرصه سیاسی مهم بوده است از همیشه مهم‌تر شده و حتی شاید به اولویت درجه یک تبدیل شده باشد. حزب و جناح حاکم روایتی مثبت از شرایط فعلی اقتصاد تبلیغ می‌کند تا بتواند نیروی محرکه مثبتی برای اقتصاد ایجاد کند. این سیاست بر اساس پیش فرضی است که هر چقدر روایت ساخته شده درباره اقتصاد مثبت‌تر و خوش‌بینانه‌تر باشد مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و در نتیجه احتمال بیشتر تصمیماتی می‌گیرند که اقتصاد را تقویت خواهد کرد و محبوبیت حزب حاکم افزایش خواهد یافت. در نقطه مقابل حزب و جناح مخالف را داریم که با هدف صرف انتخابی سعی می‌کند روایتی منفی و بدبینانه از اقتصاد کنونی به تصویر بکشد؛ چون فرض را بر این می‌گذارد که در هر وضعیت اقتصادی معین، هر چه روایت منفی‌تری از اقتصاد منتشر کند در انتخابات بعدی آرای بیشتری به نفع خود جلب و جذب خواهد کرد



حسن بهشتی پور در گفت و گو با «آرمان ملی»:

## احیای برجام از مسیر آژانس می‌گذرد

حساسیت‌ها روی میزان اورانیوم غنی شده

ایران همچنان وجود دارد

گروسی در ایران به دنبال پاسخ

به سوالات خود بود

آرمان ملی - احسان انصاری: قبل و بعد از سفر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران گمانه‌زنی‌های مختلفی درباره دلایل و اهداف این سفر مطرح شده بود. این در حالی است که پس از مذاکرات صورت گرفته نیز طرفین تنها به اظهار خوشبینی نسبت به آینده اکتفا کرده و حتی عنوان نکردند که نسبت به چه چیزی باید خوشبین بود. «آرمان ملی» برای بررسی و تحلیل ابعاد سفر گروسی با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت و گو کرده است. بهشتی پور معتقد است: «اگر ایران و آژانس نتوانند به راهکار مثبتی برای رفع مشکلات و ابهام‌های باقی مانده دست یابند، آن زمان است که می‌توان چشم‌انداز امیدوارانه‌تری پیش روی مذاکرات برجامی و رفع تحریم‌ها ترسیم کرد. درباره روند ریزنی‌های ایران و آژانس برخی قائل به این دیدگاه هستند که مشکلات ایران با آژانس زمانی حل می‌شود که مشکلات تهران با واشنگتن رفع شود. آنان بر این گمان هستند که دو موضوع ادعایی باقی مانده از سوی آژانس پیش از هر چیز جنبه «بهبانه جویی» دارد. این دیدگاه در حالی مطرح می‌شود که از نظر من چندان قابل پذیرش نیست. برخلاف برخی، معتقد نیستم اگر آمریکا اراده کند، همه مسائل و مشکلات موجود میان ایران و آژانس رفع خواهد شد». در ادامه ما حاصل این گفت و گو را می‌خوانید.

سفر گروسی به ایران با چه اهدافی صورت گرفت و چه دستاوردهایی به همراه داشت؟

کمالوندی سخنگوی آژانس انرژی اتمی قبل از سفر گروسی توضیحاتی در مورد اینکه دستور کار آقای گروسی در تهران چیست نداد. اطلاعاتی که از سفر او به ایران منتشر می‌شود مقداری قطره چکانی است. بهانه اصلی سفر گروسی شرکت در اولین کنفرانس بین‌المللی هسته‌ای است که در اصفهان برگزار شد. به نظر می‌رسد گروسی در تهران به دنبال حل دو سوال باقی‌مانده‌ای بود که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از ایران دارد. او احتمالاً فرصت را مغتنم شمرد تا پاسخی برای سوالات آژانس داشته باشد. اجلاس شورای حکام در خرداد ماه برگزار می‌شود و اگر گروسی با پاسخ سوالاتش برنگردد، دوباره سوالات مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد ایران باید با آژانس به یک راهکار مشترک برسد تا بهانه دست کشورهای مثل آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان که دنبال سوژه‌سازی هستند و انواع فضا سازی علیه ایران دارند داده نشود و عملکردشان خنثی شود. ایران می‌گوید ما زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کنیم و بازرسان آژانس به راحتی به ایران می‌آیند و برمی‌گردند. حتی در زمانی که رژیم اسرائیل ایران را تهدید می‌کرد گروسی گفت به رغم تهدیدها کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به ایران می‌آیند و کارشان را انجام می‌دهند. به هر حال ایران تحت نظر آژانس است. برخی در داخل هم نکاتی را مطرح می‌کنند که فضا علیه ایران را تشدید می‌کند. در حالی که سیاست ایران همچنان سیاستی است که با هرگونه تولید و نگهداری و تکثیر سلاح هسته‌ای در هر جا و از جمله ایران مخالفت می‌کند. دکترین هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است و دنبال رفتن به سمت تولید بمب نیست. اما بحث اینکه ذخایر اورانیوم ایران به حدی رسیده که می‌تواند اگر بخواهد بمب درست کند، مساله دیگری است.

چرا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنان نسبت به اورانیوم غنی شده ایران حساسیت دارد؟

ایران در سیاست‌های کلان خود دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست. تمام ذخایر اورانیوم ایران، در گزارش‌های دوره‌ای آژانس اعلام و به شورای حکام اعلام شده و خبرگزاری‌هایی مانند رویترز و... هم آن را با جزئیات درج می‌کنند. در نهایت ایران چیز مخفی ندارد. میزان ذخایر اورانیوم، سانتریفیوژها و... در گزارش‌های شورای حکام وجود دارد. بنابراین فضاهای رسانه‌ای گاهی برای دامن زدن به ایران هراسی شکل می‌گیرد. ایران از آقای گروسی دعوت کرد تا در کنفرانسی که در اصفهان برگزار می‌شود شرکت کند. منتها این مساله نشان می‌دهد ایران همچنان آژانس را در دستور کار دارد و ترجیح می‌دهد تماس‌هایش با آژانس انرژی اتمی حفظ شود. همکاری ایران با آژانس در واقع کمک می‌کند تا ایران بهتر بتواند بهانه را از دست طرف مقابل غربی بگیرد. هر چقدر ایران همکاری بیشتری با آژانس داشته باشد، بیشتر می‌تواند طرف مقابل را خلع سلاح کرده و تبلیغاتش را خنثی کند.

گروسی در تهران به دنبال حل دو سوال باقی‌مانده‌ای بود که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از ایران دارد. او احتمالاً فرصت را مغتنم شمرد تا پاسخی برای سوالات آژانس داشته باشد. اجلاس شورای حکام در خرداد ماه برگزار می‌شود و اگر گروسی با پاسخ سوالاتش برنگردد، دوباره سوالات مطرح می‌شود

روابط آذربایجان با ایران هم تحت تأثیر کشورهای ثالث قرار دارد به این معنا که اسرائیل، ترکیه و آمریکا نقش قابل توجهی در این حوزه دارند؛ بنابراین اینکه مشکلات با باکو را تنها به گردن دولت ببندیم، کار درستی نیست

در نظر داشته باشیم در شرایط کنونی برای پیشبرد مذاکرات در موضع قدرت هستیم. اکنون ایران از یک سو در مناسبات منطقه‌ای دست بالا را دارد و از سوی دیگر از نظر ذخایر اورانیوم غنی شده وضعیت مطلوبی داریم. بنابراین دست‌مان برای مذاکره پر است. در مذاکرات هسته‌ای معتقدم که وزارت امور خارجه عملکرد چندان خوبی نداشت و عملی یک بن بست کامل را شاهد بودیم. برخی البته این را به گردن تحولات غزه می‌اندازند، اما من معتقدم که رویکرد وزارت امور خارجه این بود که مذاکرات را محدود به لغو تحریم‌ها کند، در حالی که موضوع مذاکرات ایران و آمریکا یک موضوع فراگیر، چند وجهی و دارای ابعاد مختلف است که یکی از این ابعاد مهم آن پایان دادن به تحریم‌هاست. اما همه مساله این نیست.

چرا وزارت امور خارجه در به نتیجه رساندن مذاکرات عملکرد چندان خوبی نداشت؟

وزارت امور خارجه ایران طی سال ۱۴۰۲ تلاش کرد مذاکرات را ادامه دهد، اما موفق نبود. معتقدم که در سال ۱۴۰۳ وزارت امور خارجه باید این مساله را به یک سرانجامی برساند اگرچه در زمینه سیاست‌های کلان این وزارتخانه مجری است و بیشتر مصوبات شورای عالی امنیت ملی را انجام می‌دهد، اما در عین حال می‌تواند از منظر کارشناسی طرح جدیدی برای انجام اقدام تازه را به شورای عالی امنیت ملی پیشنهاد دهد تا اگر تصویب شد، اجرا کند. باید گفت طی نزدیک به سه سال دولت آقای رئیسی ثابت شد تا موضوع تحریم‌ها حل نشود بعید است که ما بتوانیم تنها با استراتژی نگاه به داخل، مساله تحریم‌ها را حل کنیم. نگاه به داخل در زمینه خودباوری خوب است، اما به تنهایی مشکل اقتصادی کشور ما را حل نخواهد کرد و برای حضور در معادلات بین‌المللی نیاز داریم که تحریم‌ها را پایان دهیم برای پایان دادن به تحریم‌ها هم باید مذاکره را در دستور کار قرار دهیم.

دولت آقای رئیسی تلاش‌هایی را در زمینه توسعه روابط زیادی ندارد که تأثیر روایت‌ها بر رون داد‌های اقتصادی نشان دهد. اما دعوتی از پژوهشگران است تا به این موضوع بیشتر بپردازند و راه‌های برای پیوند دادن روایت‌ها به رونق و رکود روایت‌ها و عملکردهای اقتصادی فهمیده شود. با گسترش و فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی و ظهور نسل‌های جدیدی که منابع خبری و اطلاعاتی و خوراک‌های فکری و تحلیلی متنوعی دارند، مدیریت کردن روایت‌ها که همیشه در عرصه سیاسی مهم بوده است از همیشه مهم‌تر شده و حتی شاید به اولویت درجه یک تبدیل شده باشد. حزب و جناح حاکم روایتی مثبت از شرایط فعلی اقتصاد تبلیغ می‌کند تا بتواند نیروی محرکه مثبتی برای اقتصاد ایجاد کند. این سیاست بر اساس پیش فرضی است که هر چقدر روایت ساخته شده درباره اقتصاد مثبت‌تر و خوش‌بینانه‌تر باشد مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و در نتیجه احتمال بیشتر تصمیماتی می‌گیرند که اقتصاد را تقویت خواهد کرد و محبوبیت حزب حاکم افزایش خواهد یافت. در نقطه مقابل حزب و جناح مخالف را داریم که با هدف صرف انتخابی سعی می‌کند روایتی منفی و بدبینانه از اقتصاد کنونی به تصویر بکشد؛ چون فرض را بر این می‌گذارد که در هر وضعیت اقتصادی معین، هر چه روایت منفی‌تری از اقتصاد منتشر کند در انتخابات بعدی آرای بیشتری به نفع خود جلب و جذب خواهد کرد

## نگره

سودای پوتین در خاورمیانه

منفعت طلبی به سبک مسکو



گروهی مدعی‌اند، آوریل ۲۰۲۴ به عنوان ماهی که «رویارویی در سایه» ایران و اسرائیل پایان یافت و دوره تقابلی نظامی مستقیم آغاز شد. در تاریخ ثبت خواهد شد. به ادعای آنها منطقه پس از ضد حمله بی‌سابقه ایران علیه رژیم اسرائیل در ۱۳ تا ۱۴ آوریل وارد دوره خطرناک و در عین حال جدیدی شد. تهران در واکنش به حمله تروریستی اسرائیل به دمشق و به شهادت رسیدن هفت نفر از فرماندهان ارشد، صدها هواپیمای بدون سرنشین و موشک را به سمت سرزمین‌های اشغالی پرتاب کرد.

فرصت‌سازی به سبک مسکو

ایالات متحده این بار برای مهار و کاهش تنش خیز جدی برداشت، اما واشنگتن تنها قدرت خارجی متأثر از این تغییر پارادایم نیست. به نوشته استیمنسون، روسیه در یک دهه گذشته در راستای تقویت شبکه‌ها و اعمال نفوذ خود در سراسر خاورمیانه، با چالش‌هایی روبه‌رو است. دولت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در بازه‌ای از زمان با ایران در سوریه همکاری نزدیکی داشت و در عین حال در برابر حملات اسرائیل به مواضع متحدان ایران در سوریه از رویکرد منفعلانه‌ای پیروی می‌کرد. با این همه، آنچه در تقابل جدید میان ایران و اسرائیل هویدا است می‌تواند موقعیت روسیه در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. رهبران مسکو مانند همتایان خود در یکن به دنبال ثبات بیشتر در خاورمیانه هستند. آشفتگی در منطقه می‌تواند به منافع روسیه آسیب برساند. به عنوان نمونه قدرت گرفتن گروه‌های رادیکال در بخش‌هایی از جمهوری‌های به جا مانده از شوروی؛ از جمله تاجیکستان به تهدیدی بالقوه برای مسکو تبدیل شده است. در این میان حمله تروریستی ماه مارس به سالن کنسرتی در مسکو، این تهدید را عریان تر کرد. فراتر از مبارزه با تروریسم، روسیه به دنبال حمایت از دولت‌های عربی دوست، حفاظت از حضور نظامی روسیه در سوریه، جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهای ثروتمند عرب خلیج فارس، ایجاد روابط تجاری با منطقه است تا بدین طریق تحریم‌های غرب را دور زده و سیاست‌های خود در عرصه انرژی را با شورای همکاری خلیج فارس هماهنگ می‌کند. بنابراین، هرگونه جنگ همه‌جانبه برای منافع روسیه مضر خواهد بود. با این حال به ادعای ناظران، تشدید تنش اخیر بین ایران و اسرائیل می‌تواند از چند جهت به نفع روسیه باشد. نخست، این رویارویی که زمینه‌ساز سطح بالای ناامنی در خاورمیانه شد، پیام روسیه به دولت‌ها و جوامع عربی را برجسته‌تر می‌کند؛ پیامی با این محتوا که ایالات متحده ضمن غیرمستولانه و ناکارآمد ثبات در این بخش از جهان از پوتین و دیگر مقامات روسی دهه‌ها است که حمایت یک‌جانبه آمریکا از اسرائیل را به چالش کشیده و آن را عامل اصلی ناتوانی در حل و فصل ریشه‌ای بحران‌های خاورمیانه - بالاخص درگیری فلسطین و اسرائیل - می‌دانند. طبیعتاً این پیام برای مخاطبان عرب که به طور فزاینده‌ای از ایالات متحده به خاطر تلافات انسانی در غزه خشمگین هستند، خوشایند است.

پس لرزه‌های همکاری تهران و مسکو برای اسرائیل

از منظری دیگر، تصاعد تنش‌ها در خاورمیانه، توجه جهانی را از اوکراین منحرف می‌کند. به رغم تصویب نهایی کمک‌های بیشتر کنگره آمریکا به اوکراین، به نظر می‌رسد جنگ در این جغرافیا به بن بست خورده و با افزایش بازگشت دوم دونالد ترامپ، آینده حمایت ایالات متحده از کیف در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. تاپیش از این، روسیه از تأخیر کنگره در تأیید کمک‌های جدید ایالات متحده و بی‌امان‌ها خارکف، اودسا و سایر شهرهای اوکراین سود بسیار برده است. کابینه بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر، با لحاظ کردن تعمیق همکاری نظامی روسیه و ایران، ممکن است از پوتین بخواهد تا به واسطه نزدیکی اش با تهران، از اهرم‌های خود استفاده کند. این گزاره با توجه به ناتوانی آشکار ایالات متحده و اروپای غربی جهت نفوذ در تهران، برای برخی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز دلگرم کننده است، این مقوله این امیدواری را به وجود می‌آورد که مسکو به واسطه روابط دیپلماتیک و نظامی نزدیکی که با ایران دارد، می‌تواند از سطح تنش‌ها بکاهد. گروهی از ناظران مدعی‌اند، اگر ایران در آینده هدف حملات ادعایی اسرائیل قرار بگیرد، مشارکت تهران با مسکو برای استراتژی‌های دفاعی ایران اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. این گروه مدعی‌اند، ایران شاید به سامانه‌های دفاع هوایی پیشرفته روسیه برای کمک به سرنگونی جت‌ها و موشک‌های جنگنده رادارگریز اسرائیل نیاز پیدا کند. روسیه و ایران همچنین ممکن است توافق‌ها برای تأمین توانمندترین جت‌های جنگنده روسیه یعنی سوخو-۳۵ را نیز نهایی نمایند. در مجموع، حمایت روسیه از ایران می‌تواند محاسبات اسرائیل در مورد ایمنی و قابلیت حملات آتی ادعایی علیه ایران را تغییر دهد. گروهی از تحلیلگران مدعی‌اند، حتی اگر بحران در حال حاضر مهار شده باشد، خطر گسترش تنش‌ها به یک جنگ منطقه‌ای را نباید نادیده گرفت.